



تیرنگ | T-rang
مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۴۸۳۳۵۷
📧 tirang.advertising@gmail.com

مش واندیشه مختومقلی فراخی
الگوی برای نسل جوان



۲

نقش مدیریتی
مرد در خانواده



۳

مامور انتظامی در راه انجام
وظیفه به شهادت رسید



۳

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۲۸ شهریور ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و چهارم / شماره ۸ / ۲۴۶۸ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

یادداشت اول

امنیت حداقلی

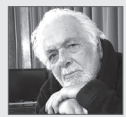
با مسوولیت سردبیر

متفکران دولت همواره به نقش و جایگاه دولت در حکمرانی توجه داشته اند. برخی از آنها دولت خوب را دولت حداقلی می دانند و مهمترین وظیفه دولت حداقلی در حوزه عمومی را تامین امنیت عنوان می کنند، اما هم متفکرانی که به دولت حداقلی اعتقاد دارند و هم دیگران که وظایف بیشتری برای دولت تعریف کرده اند در وجود دستگاهی که باید مسوول برقراری نظم و تامین امنیت باشد، اختلاف ندارند. بنابراین وظیفه پلیس و دستگاه انتظامی باید تامین امنیت حداقلی شهروندان باشد و بر مبنای تامین امنیت حداقلی باید برنامه ریزی و طراحی کرد. علت آن نیز آشکار است. چنانچه وظایف هر دستگاهی را بدون استدلال و بر مبنایی غیر حرفه ای گسترش دهید، اندک اندک آن دستگاه از ماهیت خود تهی می شود و دیگر از وظیفه اصلی خود که تامین نظم و امنیت حداقلی است، باز می ماند. بر این اساس باید گفت جز تامین امنیت پایدار، وظایف دیگری که در ایران بر عهده نیروی انتظامی و پرسنل زحمتکش آن گذاشته شده، باعث شده است تا پلیس از ماهیت خود دور شود و شوربختانه شهروندان نیز اتکای روحی و روانی خود را به پلیس از دست بدهند. در چنین شرایطی هم به اعتبار پلیس لطمه وارد می شود و هم در نهایت به اعتماد جامعه لطمه های غیر قابل جبرانی وارد می شود، بنابراین باید بدانیم وظیفه پلیس ارتقای حداکثری امنیت روحی و روانی جامعه نیست و نباید از اقتدار پلیس برای ترویج خواسته های حداکثری استفاده کرد، زیرا در آن صورت از انجام وظایف اولیه و حداقلی خود نیز باز می ماند. نمونه این اتفاق را می توان در مرگ هم زمان و تاسف بار مهسا امینی و سروان علی سروانی در گلستان دید، در نمونه اول وجدان عمومی جامعه به شدت ملتهب و پر سشگر است و در نمونه دوم خبر این شهادت حتی در رسانه های استانی هم انعکاس چندانی پیدا نکرده است. در نمونه اول یعنی مرگ تلخ مهسا امینی وظیفه ای حداکثری از نهادی حداقلی باعث چنین اتفاقی شده است و در نمونه دوم یعنی سروان سروانی او در حال اصلی ترین وظیفه خود به شهادت رسیده است.

ادامه در صفحه ۲



کانون پرورش فکری کودکان
و نوجوانان زیان ده نیست
« ۸ »



خشت و آینه
گلستان
« ۴-۵ »



شورعاطفه ها برای کمک به
دانش آموزان برگزار می شود
« ۳ »

لزوم تقویت اقتصاد کشاورزی در گلستان

استفاده بیشتر از محققین مراکز تحقیقاتی در بخش کشاورزی، از ظرفیت های مراجع علمی برای مجهز کردن بخش کشاورزی استان به دانش روز بهره ببرند و اقتصاد کشاورزی دانش بنیان را در استان ترویج دهند



اقدامات سازگارانه در پیش بگیرند به این معنی که شرایط اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی را با پیامدهای خشکسالی منطبق کنند. ترویج کشاورزی می تواند به کمک ابزارهای آموزشی نقش مهمی در سازگاری افراد نسبت به خشکسالی داشته باشد. اقتصاد کشاورزی در استان با گسترش کشت قراردادی، استفاده از دانش روز، اختصاص تسهیلات کم بهره به کشاورزان، افزایش سرمایه گذاری ها در بخش کشاورزی، توسعه صنایع تبدیلی و علمی کردن کشاورزی و... تقویت خواهد شد.

نکته را نباید از نظر دور داشت که ما با خشکسالی باید سازگار شویم. شواهد و داده های آماری بیانگر استمرار پدیده خشکسالی در گلستان است، بنابراین نباید تغییر اقلیم و خشکسالی، تولیدات کشاورزی گلستان را دستخوش تغییر کند. این مهم تنها با تکیه بر دانش روز و کشاورزی دانش محور محقق خواهد شد. چرا که بخش کشاورزی خواه ناخواه تحت تاثیر نوسانات و تغییرات اقلیمی است، پس کشاورزان برای حفاظت از معیشت خود در مقابل تأثیرات نوسانات و تغییرات اقلیمی باید

محققین مراکز تحقیقاتی در بخش کشاورزی، از ظرفیت های مراجع علمی برای مجهز کردن بخش کشاورزی استان به دانش روز بهره ببرند و اقتصاد کشاورزی دانش بنیان را در استان ترویج دهند. با توجه به تنوع اقلیمی، بارش های مناسب، قابلیت کشت انواع محصولات، بدنه کارشناسی قوی و... می توان با تکیه بر حفظ محیط زیست و توجه به منابع آب و خاک، بیشترین بهره وری را در عرصه های کشاورزی استان داشت و تولیدات استان را طی یک برنامه مدون به بیش از ۱۰ میلیون تن رساند. این

دکتر مهران قجری - گلستان ظرفیت های بی نظیری برای افزایش تولید مبتنی بر دانش روز دارد. برای تحقق این مهم، عبور از کشاورزی سنتی و رفتن به سمت کشاورزی هدفمند و اقتصادی ضروری است. برای عبور از کشاورزی سنتی و عملی کردن کشاورزی دانش بنیان، باید سطح دانش کشاورزان را ارتقاء دهیم. مسوولان این بخش در استان می توانند با انعقاد تفاهم نامه های جداگانه با پارک علم و فن آوری و دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی گرگان که ظرفیت ارزشمندی به شمار می رود و استفاده بیشتر از

منش و اندیشه مختومقلی فراغی الگویی برای نسل جوان

ماندگار شده است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان، افزود: مختومقلی فراغی در حدود ۱۰ بار در آثارش به واقعه عاشورا و امام حسین(ع) اشاره می کند که جلوه ای از میزان توجه وی به این امام همام و اهل بیت رسول اکرم است. وی ادامه داد: منش و اندیشه مختومقلی فراغی الگویی برای نسل جوان است و ارادت وی و عزیزان حاضر در این کنگره به اباعبدالله الحسین ستودنی است. رعیت با اشاره به اینکه چنین ارادت هایی برآمده از عمق اندیشه های قرآنی و دینی است، گفت: این عمق عمل و توجه به آیین و رسول اکرم و اهل بیت زیبا و دلچسب و ماندگار است و برپایی این چنین کنگره ای جلوه ای از زنده کردن این ارزش ها است و امیدوارم همه ما در مسیر انسانیت و شرف و محبت به رسول اکرم زندگی کنیم و فعالیت های اثر بخش انجام دهیم.



از هزاران سال هنوز هم در دل ها وجود دارد و این خود نشانه ای است که اسلام و قرآن در دل های پاک رسوخ می کند و دل های پاک پذیرای مفاهیم قرآنی است. رعیت با اشاره به حدیث ثقلین، گفت: بزرگان ما همچون مختومقلی فراغی، بارها در آثارش ارادت خود را نسبت به قرآن و عترت نشان داده و

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان در مراسم اختتامیه سومین کنگره فرهنگ عاشورایی در آیین، زبان و ادبیات ترکمن، گفت: در آثار مختومقلی فراغی، توجه به ساحت رسول اکرم و اهل بیت به چشم می خورد و این نشان از منش و عمق ارادت او به خاندان عصمت و طهارت است. به گزارش روابط عمومی، محمد رعیت در این مراسم گفت: خداوند را شاکریم که محبت اهل بیت را در دل هایمان نهاده و این وصیت و سفارش رسول مهربانی ها و خوبی ها را که هر کس محبت به فرزندان ما را داشته باشد انگار به من توجه و محبت کرده است را شاهدیم. وی افزود: در بیش از صد آیه قرآن کریم و نیز احادیث گوناگون درباره فضائل و کرامات و محبت و مودت به اهل بیت اشاراتی شده است و این عشق و ارادت به رسول اکرم(ص) و اهل بیت مکرمش بعد

ادامه یادداشت اول

امنیت حداقلی

تحلیل ابتدایی این دو نمونه به ما یاد آور می شود باید امورات را تخصصی، دقیق و همه جانبه دید، امروزه فراتر از ایدیولوژی و یا خواسته های یک دولت باید به بنیادهای حرفه ای و درک افکار عمومی به اتفاقات توجه کرد، هیچکس از پلیس انتظار راهنمایی اخلاقی و مشاوره دینی و ارشاد معنوی را ندارد. بر این اساس وقتی مسوولیت یک نهاد مانند پلیس که باید مظهر اقتدار و امنیت در جامعه باشد را به کارهای غیر تخصصی و فرعی گسترش می دهید دیگر چندان نباید انتظار همراهی از افکار عمومی را داشته باشید. دنیای امروز بسیار پیچیده تر و تخصصی تر از آن است که آموزش و تربیتی که محصول سالها وقت گذاری و مستلزم نهاد ها و سازمانهای مختلف دولتی و غیر دولتی است را از یک سازمان انتظامی آن هم با یک ساعت تبشیر و انذار مطالبه کنید، این نگرش سطحی و عوامانه همواره برای جامعه ایران خسارتی بی شماری به بار آورده است و قطعاً در صورت استمرار زیانهای بیشتری به بار خواهد آورد. یاد بگیریم خردمندانه، دوراندیشانه و همه جانبه اتفاقات را تحلیل کنیم تا شرمنده روزگار نباشیم.

الگوی مردم محور موجب تأمین معیشت مردم و حفظ محیط زیست می شود

استاندار گلستان اظهار کرد: توجه به محیط زیست از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و تقویت جوامع محلی و الگوی مردم محور موجب تأمین معیشت مردم و حفظ محیط زیست می شود. به گزارش روابط عمومی، زنگانه در حاشیه بازدید معاون رییس جمهور

و رییس سازمان حفاظت محیط زیست کشور از پارک ملی گلستان تصریح کرد: سیستم های نوین برای پایش و کنترل پارک ملی و محیط زیست می تواند به حفظ جنگل ها کمک ویژه ای کند. وی افزود: در سفر رییس جمهور به استان، مصوبات خوبی برای تأمین اقلام مورد نیاز تیم های اطفاء حریق جنگل ها صورت گرفت و امیدواریم این پشتیبانی ها منجر به پیشرفت همه جانبه استان شود. استاندار گلستان گفت: الگوی پیشرفت روستا محور برای ۱۳ روستای حاشیه پارک ملی گلستان مورد توجه است. زنگانه گفت: بر اساس مصوبه ستاد ملی تالاب ها، ۱۶ اقدام در دو فاز برای علاج بخشی خلیج گرگان تعریف شده که با مساعدت رییس سازمان محیط زیست این اقدامات تسریع خواهد شد...

اخذ ۱۰ فقره سند برای رودخانه گرگانرود

رئیس اداره منابع آب شهرستان های آق قلا و گمیشان از اخذ ۱۰ سند برای رودخانه گرگانرود در محدوده شهرستان گمیشان به نام دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی شرکت آب منطقه ای گلستان اخذ شد. وی افزود: هدف از اجرای این طرح، پیشگیری از خطرات جانبی و مالی سیلاب و تصرفات، جلوگیری از رودخانه خواری، حفظ و حراست از اراضی حکومتی، تسریع در انجام عملیات رفع تصرف، کاهش هزینه های رفع تصرف و تسهیل عملیات حقوق و قضایی است.

گلشهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض آقای عبدالحمید حسینی بشماره شناسنامه ۶۸۳ بشماره ملی ۲۲۶۹۱۸۱۰۳۴ صادره از علی آباد فرزند محمد اسماعیل متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۹۹۴ در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۲۲۰ متر مربع از پلاک شماره ۸۹- اصلی واقع در اراضی خرگوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸
حجت الله تجری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان م.الف ۱۲۷۴۹

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض ۱- خانم سیده ساره میرصالحی بشماره شناسنامه ۱۰۰۵ بشماره ملی ۲۱۲۰۸۱۶۵۴۹ صادره از گرگان فرزند سید جعفر متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۱۷۶ در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است ۲- خانم سیده زهرا میرصالحی بشماره شناسنامه ۵ بشماره ملی ۲۱۲۲۵۳۳۵۷ صادره از گرگان فرزند سید جعفر متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۱۷۷ در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۲۵ متر مربع از پلاک ۳- اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود

را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸
حجت الله تجری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان م.الف ۱۲۷۰۹

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض خانم آقای نسرین نعمتی بشناسنامه ۲۷۱ کد ملی ۲۲۲۹۸۰۴۴۰۰ صادره از کردکی فرزند رحمت اله متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۰۷۵ در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۳۵،۹۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۳- اصلی واقع اوزینه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸
حجت الله تجری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان م.الف ۱۲۷۳۷

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۰۷۹۵ تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان

آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۲۲۷ تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی آقای ذکریا محمد آق فرزند حبیب اله به شماره شناسنامه ۱۹۳۲۲۶ کد ملی ۲۲۶۰۱۹۳۲۲۶ صادره از علی آباد در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۵۰ متر مربع، در قسمتی از باقیمانده شش دانگ پلاک شماره ۶۱۴- فرعی از ۱- اصلی واقع در اراضی قریه آق قلا بخش ۷- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی آقای ایرج سنائی تألیف گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: روز دو شنبه ۱۴۰۱/۰۶/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: روز سه شنبه ۱۴۰۱/۰۷/۱۲
محمد فندر سکی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م.الف ۱۲۸۸۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۴۰۰۲۶۲۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ - موضوع کلاسه ۱۴۰۰۰۹۳۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۹۹۳ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبد کاووس تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای/خانم ارزا سلطان دیده بان دانشی برون فرزند بیرام بشماره شناسنامه ۲۶ و شماره ملی ۲۰۳۰۸۰۹۲۲۵ در شش دانگ یک قطعه زمین احداث بنا شده به مساحت ۸۹،۰۴ متر مربع جدا شده از پلاک ۲۷۹۹ فرعی از ۱ اصلی واقع در گنبد کاووس انتهای خیابان رسالت ۲۴ کوچه مسجد موبک الاسلام فرعی سوم بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مع الواسطه از اراقلی ارمنی، لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱
رضا سارانی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد کاووس از طرف شرکانه باقری آذر م. الف ۹۴۳۳



مامور انتظامی در راه انجام وظیفه به شهادت رسید



فرمانده انتظامی گلستان گفت: یکی از پرسنل این فرماندهی در جریان انجام یک مأموریت در شهرستان رامیان در شرق استان به شهادت رسید. به گزارش روابط عمومی، سردار محمدمسعود فاضل دادگر اظهار داشت: استوار یکم، علی سروانی در تیراندازی تعدادی از افراد در یکی از روستاهای شهرستان رامیان به شهادت رسید. وی بیان کرد: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تیراندازی تعدادی از افراد در یکی از روستاهای شهرستان رامیان، بلافاصله ماموران انتظامی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. وی خاطرنشان کرد: با حضور عوامل انتظامی در محل، مشخص شد تعدادی از افراد که به دلیل اختلافات قبلی با هم درگیر بودند، اقدام به تیراندازی با سلاح شکاری به سمت هم می‌کنند که در همین راستا استوار یکم علی سروانی که به همراه ۲ نفر مامور انتظامی دیگر برای دستگیری ضاربین و حفظ نظم و امنیت در محل حضور یافته بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت. به گفته وی، استوار یکم سروانی، بلافاصله به بیمارستان اعزام شد اما به دلیل شدت جراحات به درجه رفیع شهادت نائل گردید. فرمانده انتظامی گلستان ادامه داد: در همین راستا با اشراف اطلاعاتی و عملیاتی پلیس، بلافاصله عوامل دخیل در درگیری و تیراندازی شناسایی و دستگیر شدند. فاضل دادگر گفت: ضمن تشکیل پرونده، تحقیقات فنی در این زمینه آغاز شده است.



آزادی یک محکوم به قصاص پس از ۱۳ سال

با پویش به عشق حسین می‌بخشم و در آستانه اربعین حسینی یک محکوم به قصاص پس از ۱۳ سال حبس با گذشت اولیای دم بخشیده شد. به گزارش روابط عمومی، رئیس کل دادگستری گلستان گفت: محکوم به قصاص فریدست که ۱۳ سال پیش در ۲۱ سالگی به علت ناتوانی در کنترل خشم، مرگ یک انسان دیگر را در یکی از روستاهای کلاله رقم زد. حیدر آسیایی افزود: با درخواست اولیای دم، حکم قصاص صادر شد و پس از طی تشریفات قانونی در نوبت اجرا قرار گرفت. وی ادامه داد: از دو سال پیش اعضای شورای حل اختلاف زندان گنبدکاووس بارها با همراهی ریش سفیدان و مسئولان قضایی منطقه، پادرمیانی کردند اما اولیای دم از اجرای حکم قصاص، کوتاه نیامدند. این مقام ارشد قوه قضاییه در استان گلستان گفت: برای آخرین بار، تیم سازشی به دیدار اولیای دم رفتند و این بار خانواده مقتول به حرمت اربعین حسینی، از حق قانونی و شرعی خود گذشتند و این جوان را که حالا ۳۴ ساله شده است، بخشیدند.

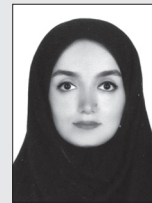
رسیدن به این هدف مشترک همه اعضا نقش مهمی را ایفا میکنند و رهبر خانواده نقش هماهنگ کننده بین اعضای خانواده را دارد. در تصمیم گیری های مهم و اساسی، اعضای خانواده باید از نظرات رهبر خانواده بهره مند شوند و در همه موارد و تصمیم گیری ها تعامل و مشورت کنند. اگر در خانواده ای، هر کدام از اعضا بخواهند نظر شخصی خود را اعمال کنند، ممکن است باعث ایجاد هرج و مرج، گسستگی و دلخوری در بین اعضای آن خانواده شود؛ در این هنگامه وظیفه رهبر خانواده ایجاد فضای مشارکتی، تعامل و مشورت با اعضا جهت رسیدن به هدفی مشترک و تصمیمی واحد است. یکی دیگر از کارهای مهمی که در مدیریت خانواده میتوان انجام داد، تقسیم کار است. این بدان معناست که هر یک از اعضای خانواده با توجه به توانایی هایش مسئولیتی را بپذیرند و تقسیم کار کنند تا تمام سختی ها و مشکلات بر دوش یکی از اعضا نباشد، مثلاً مادر خانواده میتواند با ایجاد فضای آرام در خانه و محبت کردن به همسرش و دیگر اعضای خانواده نقش حمایتی را بر عهده بگیرد و این نکته بسیار حائز اهمیت است که زنان نقش اساسی و بسیار مهم در خانواده دارند و تربیت فرزندان و به نوعی تربیت جامعه را به دوش میکشند و تلاش برای تحکیم و استحکام خانواده یکی از اصلی ترین نقش های یک زن در خانواده است. در پایان باید گفت که در یک خانواده حتی با وجود یک رهبر شایسته و مقتدر، افراد به خودی خود نمیتوانند اهداف و وظایفشان را به نحو احسنت انجام دهند، بلکه برای رسیدن به موفقیت و هدف های مشترک در یک خانواده همراهی و همکاری تک تک اعضای خانواده نیاز است و رهبر خانواده با گرفتن تصمیمات درست و بجا و همراهی اعضای خانواده از او میتواند مسیر موفقیت و آرامش را به بهترین شکل ممکن برای همه اعضا فراهم کند.

■ کارشناس ارشد روان شناسی

همانطور که میدانید خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که به منظور هدفی مشترک شکل گرفته است. همانگونه که جوامع بزرگتر دارای رهبر و مدیر است، خانواده نیز از این موضوع مستثنی نیست و نیازمند یک رهبر و مدیر شایسته برای رسیدن به اهداف مشترک است. لازم به ذکر است منظور از رهبری و مدیریت خانواده بدین معناست که وی در شرایط سخت و حساس و مواجهه با مشکلات، تصمیمات درست و منطقی بگیرد و توجه داشته باشید که مدیریت خانواده با رئیس بودن بسیار متفاوت است. رئیس بودن در معنای لغوی اولیه به معنای حکمرانی و زورگویی است و از افراد زیر دست آن اینطور انتظار می رود که از یکسری قوانینی که توسط آن شخص بنا نهاده شده، اطاعت کنند. اما مدیریت به این معناست که فرد مدیر با درایت، خرد و هوشمندی و البته در نظر گرفتن همه جوانب و مشورت کردن با دیگر اعضای خانواده یا گروه به یک تصمیم واحد و مشترک میرسد و با تدبیر و حمایت اعضا در رسیدن به هدف مشترکشان گام برمیدارد. در برخی جوامع مانند کشورمان، مدیریت خانواده بر عهده مرد خانواده است و این موضوع به دلیل سنتی بودن، اهمیت حفاظت از خانواده، داشتن قدرت فیزیکی بالاتر جهت خدمت رسانی به اعضای خانواده و دفاع از حق و حقوق اعضا میباشد. شایان ذکر است، علی رغم تفاوت های ظریف در قوه تفکر، منطق، احساسات و خرد اجتماعی؛ هر دو آنها (زوج و زوجه) می توانند این مدیریت را بر عهده بگیرند. چرا که در بسیاری از خانواده ها مشاهده میکنیم که مدیریت خانواده بر عهده زن خانواده است، اما به صورت کلی و درصدها بالایی از خانواده ها مدیریت و رهبری توسط آقایان صورت میگیرد. هنگامی که میگوییم مدیریت خانواده توسط آقایان صورت میگیرد، بدان معنا نیست که دیگر اعضای خانواده هیچ نقشی ندارند، همانطور که گفتیم خانواده یک جامعه کوچک است که برای رسیدن به اهداف مشترک شکل گرفته است و در مسیر



نقش مدیریتی مرد در خانواده



■ ندا حیدری

شور عاطفه‌ها برای کمک به دانش آموزان بر گزار می‌شود

خواهد شد. وی اضافه کرد: از ۲۸ تا ۳۱ شهریور پایگاه‌های مستقر در میادین اصلی شهرهای استان و روز جمعه (یکم مهرماه) پایگاه‌های مصلی نماز جمعه، آماده جمع آوری کمک‌های مردمی برای دانش آموزان نیازمند هستند و در روز دوشنبه ۱۱ مهرماه هم زنگ شور عاطفه‌ها به صورت نمادین در مدارس استان نواخته می‌شود.

دوست، سال گذشته بیش از ۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان برای ادامه تحصیل دانش آموزان نیازمند کمک کردند. بابایی بیان کرد: ۶۰ پایگاه ثابت مستقر در میادین اصلی شهرها و دفاتر کمیته امداد و ۳۶۰ مرکز نیکوکاری برای دریافت کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم از جمله کیف و کفش و نوشت افزار و سایر ملزومات آموزشی تحصیلی برپا

مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان گفت: با هدف تامین مایحتاج تحصیلی دانش آموزان تحت حمایت، شور عاطفه‌ها در گلستان از ۱۵ مردادماه آغاز شده و تا ۱۵ مهرماه سال جاری ادامه دارد. به گزارش روابط عمومی، عیسی بابایی با اشاره به پیش بینی مشارکت ۱۲ میلیارد تومانی گلستانی‌ها در سال جاری، گفت: هم استانی‌های نوع

نوبت دوم

آگهی دعوت مجمع عمومی سالیانه

بدین وسیله از کلیه سهام داران محترم شرکت تعاونی انجمن داروسازان

حکیم جرجانی استان گلستان دعوت به عمل می‌آید

که در جلسه مجمع عمومی عادی که راس ساعت ده صبح روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۲ در سالن اجتماعات شرکت واقع در گرگان، بلوار جرجان، خیابان سجاده، پلاک ۳۷ بر گزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۳- انتخاب اعضای اصلی علی البدل هیات مدیره

۴- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل

۲- بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال ۱۴۰۰

۵- تعیین روزنامه رسمی کثیرالانتشار

۱- گزارش هیات مدیره و بازرس شرکت

رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی انجمن داروسازان حکیم جرجانی

خشت و آینه گلستان



خشت و آینه، گلستان باباگوریو، بالزاک



■ علی درزی

برای نقد این فیلم پیشرو، آوانگارد و جریان ساز هرچه نوشتیم به نظرم تکراری آمد، تا اینکه نقد باباگوریو یادم آمد!

باباگوریو نام رمانیست که هر علاقه مندی به کتاب و کتاب خوانی آن را پشت بند نام بالزاک شنیده. باباگوریو را باید با زمانه‌اش مقایسه کرد؟ یا با وجود تمام تغییرات ادبیات داستانی در عصر حال حاضر به آن نگاه کرد؟ کتابی که در زمان خودش از کلیشه شکن‌های تاریخ ادبیات بوده و فرم روایت داستانی را تغییر داده. کتابی که در نوع خودش به غایت، رئالیسم اجتماعی را بوجود آورد و ... این سه نقطه را نظرات منتقدان و رمان خوان هایی در نظر بگیرید که سوار بر نوار زمان، منظم و تقریباً به ترتیب در طول تاریخ با پیشرفت سبک و ژانرهای ادبی، کتاب خوانند و جلو آمدند. آنها مدام به این کتاب ارجاع می‌دهند و بزرگی آن را خاطر نشان می‌شوند. آیا باباگوریو یکی از بهترین رمان‌های تاریخ است؟ جواب مشخص است: خیر.

باباگوریو یک کتاب ضعیفی است که راوی مستبدانه بر سر داستان نشسته که نه تنها اجازه هیچ شراکتی در قصه به مخاطب نمی‌دهد، حتی فرصت زندگی را از شخصیتها گرفته و آنها را در تقدیر جبارانه‌ای که مد نظر داشته قرار داده. داستان هیچ نظمی به لحاظ روایت ندارد، هیچ همذات پنداری در مخاطب بر نمی‌انگیزد، قصه بر اساس اتفاق جلو نمی‌رود بلکه طبق جبر تحمیلی نویسنده است که اتفاقات روی می‌دهند. دیالوگ‌ها به قدری ماست‌گونه‌اند که انگار صدا از پشت یک انسان مقوایی شنیده می‌شود تا یک شخصیت باورپذیر. توصیف اولیه از آن پانسیون گرفته، توصیف البسه و کاخ‌ها و قمارخانه و کوچه خیابان‌ها، همه به نابلدترین شکل ممکن بیان شده، حوصله‌سر بر، بدون هیچ ارجاع رئالیستی. توصیفاتی طی هیچ برنامه ریزی داستانی صورت نمی‌گیرد، فقط و فقط کپه کپه هر کجا که دلش بخواهد تعریفشان میکند. کتاب با چنان عجله‌ای نوشته شده که انگار در فاصله‌ی زمانی

بین نوشتن و تخلیه مثنای نویسنده بوده که داستان را سرهم می‌کرده. شخصیت‌ها، اتفاق‌ها، کشمکش‌ها و راه حل‌ها همه و همه از یک تقدیر محتوم از سوی جناب راوی روی کاغذ می‌ریزند، مخاطب به ذرک، حتی شخصیت‌ها هم نمی‌توانند نقشی در رمان ایفا کنند، نه تنها شخصیت نمی‌شوند بلکه اندازه‌ی تیپ شدن هم نیستند. (من ساده دنبال این بودم که پانسیون هم شخصیتی بشود!) و جمله‌ی آخر داستان که با آن نقطه‌ی جبارانه‌ی خود بر خط انتهایی داستان، تکلیف همه چیز را مشخص کرد و خداحافظی کرد. برای خودم واقعا جالب شد، برای نقد فیلم خشت و آینه گلستان کافی است در متن بالا بجای بالزاک بگذارید گلستان و بجای باباگوریو بگذارید خشت و آینه. عینا همان چیزی بود که می‌خواستم راجع به خشت و آینه بنویسم. خشت و آینه در زمان خودش در تاریخ سینمای ما دقیقاً نقش باباگوریو تاریخ ادبیات را دارد با این تفاوت که امثال فلوربا و گی دو ماپاسان ها خیلی زود عظمت خود را به رخ کشیدند و بالزاک را در حد همان پیشکسوت باقی گذاشتند، (مادام بواری و گردنبد کجا، باباگوریو کجا!) اما ما هنوز که هنوز است از خشت و آینه ارتزاق می‌کنیم. من پیشرو و ضد کلیشه بودن فیلم را در زمان خودش و از همه مهم تر، روی کاغذ اولین بودن (اگر تاثیر سینمای اروپا را نادیده بگیریم) را کاملاً درک می‌کنم، اما بزرگی و اولین بودن که لزوماً احترام نمی‌آورد! علی‌الخصوص بزرگی که در طول عمر سه رقیب اش تنها دو فیلم داستانی ساخته، ما بعدها کیمیایی و مهرجویی و بیضایی و تقوایی و فرمان آرا و بسیاری دیگر را داشتیم که هر یک به نوع خودش بر سر این موج نشستند و مدتی سواری کردند. خشت و آینه چیست؟ از اولین های آن سوی بام فیلمفارسی که اگر نگویم به زباله دان تاریخ پیوسته، مطمئناً چیزی جز حسی خوش برای نوستالژی بازی سینماورهای روشنفکر آن زمانه ندارد.

ای ساریان آهسته‌ران

■ محمد صالح فصیحی



شان(۱) زن از واژه ی بخت آزمایی استفاده میکند. بچه مثل بلبل است که میشود با هزینه، فرصت کردن وقت و هزینه و عشق و زندگی مجردی و تاهل، ازش استفاده کرد. بچه ابژه است. ابژه ی دگرگون کننده. بچه در نگاهی معنوی مثل تقدیر است.(۲) زن از لفظ آسمان استفاده میکند. در معنای ضمنی نیز بسته به واکنش مخاطب میتوان بچه را جور دیگری تعبیر کرد. مثل بچه به مثابه ی عصمت-پاکی آدمی؛ یا بچه به مثابه وجود آدمی درین جهان. اما آنچه مهمترست برای ما، اینست که سرنوشت بچه ی نمادین، واقعی چه میشود؟ ساده است: بچه به پرورشگاه سپرده میشود. حالی که مرد باز تنها میماند و زن مستاصل و در ساده ترین شکل مرد و زن جدا میشوند از هم و زندگیشان در حال عادی میماند(۱) و با بی عشق(۲). اینجاست که «لحظه و انتخاب» مهم میشود. میشد که مرد به زن برسد، میشد بچه را به پدر و مادرش واقعیتر رساند، میشد گفت گور پدر مردم و حرفشان. نادر ابراهیمی میگوید درهای بزرگ دروازه شهرها را میشود بست، ولی در دهان مردم را نه. اما در آن «آن» مرد شاید میترسد یا میخواهد زندگیش به روال عادی بماند و اذیت نشود و بچه را به تندی، آن قدر تند که ما صحنه نداریم برایش، میدهد به پرورشگاه. این بچه به قطع تغییر میداد زندگیشان را. خوب یا بد. دگرگون کننده بود. مثل آن شتری که گاهی رد میشود یا مینشیند. این بچه بود و تویی که میتوانی ازش استفاده کنی یا نه؛ مثل همان موقعیتی که یکهو میفتیم توش و بعد میفهمیم چقدر میتوانسته خوب یا بد بوده باشد. ولی اگر خوب بوده باشد و ما عجولانه و ساده لوحانه رفتار کرده باشیم، آن وقت ماییم و کاروانی که دور شده و صدای ما به جایی نمیرسد، که:

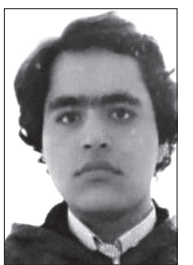
ای ساریان آهسته ران کارام جانم میرود.

مضمون اصلی: بچه پیدا شده و پرده ی دوم شروع شده. بچه نقطه عطف مرد، زن، داستان شده. مرد میخواهد بچه را پس دهد، اما زن میخواهدش. مرد بچه را مزاحم میدانند به خاطر مکان و مردم و وقت و هزینه. زن بچه را میخواهد به خاطر این که او را به مرد نزدیک و نزدیکتر میکند؛ آن‌ها را به ازدواج میکشد نه رابطه، دیدارهای کوتاه و دوستانه. در معنای آشکار، بچه شناسی است که رو کرده به رابطه

مرد و زن تیبیک، نمونه یی از حال و رفتار عادی مرد و زنی در مواجهه با بچه یی جامانده. این کار معنا را تسری میدهد(نکته ی مثبت) از سوئی اما ساده میکند داستان را و از شخصیت پردازی میکاهد و وجهه ی عجیب بودن یا خارق العاده بودنش را از دست میدهد. (هم مثبت و هم منفی: منفی برای سادگی و مثبت برای رئالیته شدن مضاعف.) اما معنا-محتوا چیست؟

در این جا درباره ی یکی از مضامین فرعی و مضمون اصلی داستان میگوییم.

مضمون فرعی: مرد هراسان و دلواپس است و میترسد که کسی او و زن را دیده باشد. کسی شنیده باشد صدای حرفی راه، خنده یی راه، لفظ «دوستم بداری» راه یا گریه ی بچه را گوشه قاپیده باشد و مشتاق شده باشد به دخالت، فضولی، به حرف و یجر الحرف. تا یک



ساعت و نیم این ترس از مردم، شاید برای عرف، دین، عادت، قضاوت - در دیالوگ هاست و عمل داستانی. در اتاقی بسته. اما از یک ساعت و نیم تا دو ساعت، عملاً در کوچه و بازار و خیابان مردم خیره شده اند به مرد و زن و بحث و بچه ی در دستشان. حرفی نمی‌زنند؛ اما حالا خیره اند به تو و با نگاهشان می‌چوند تو را. (البته نگاه خیره ی خود مای مخاطب هم فیلم را میبیند و هم زن و مرد را: ما هم مثل مردم هستیم، کمی عمیقتر اما.) مرد شاید از همین میترسد و بدش میآید. مثل زن که از تاریکی بدش میآید و روشنی را میخواهد. میشود به مثل نمادها، این دخالت و قضاوت و نگاه های مزاحم را هم در فهم اشخاص دید و هم به تصویری از جامعه ی خودمان دست یافت. در اواخر فیلم در تلویزیون گفته میشود که کمک به مهنوع خوبست و از خصایص انسانی است. اما این تمام قضیه نیست. کمک یک وجهی نیست. به عمل کار برآید به سخندانی نیست.



خشت خام و آینه اگر اندیس‌مان‌گر

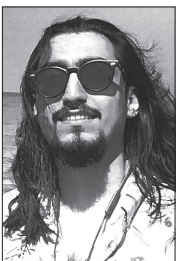
■ آصف ادهمی



قرار دانش در قسمت پایین چپ کادر دیده میشود که قاعدتا آگاهانه است. اما چرا؟! اینکه تمامی سوژه/کرکترها از نظر فیلمساز در موضع ضعف هستند، تقابل، کشمکش و در نتیجه حسی در ما ایجاد نمیکند. مثلا در سکانس تحویل بچه به شیرخوارگاه هم متقاضیان و هم خانم منشی در موضع ضعف هستند، که این واضحا غلط است. مقوله فنی دیگری که شاید بزرگترین نقطه ضعف فیلم باشد، عدم حفظ راکورد در تقریبا تمام طول فیلم است. مشکل بزرگی که بیش از دو سوم فیلم را شامل میشود و با کات‌هایی رویرو می‌شویم که همان

اندک حس احيانا ایجاد شده را منهدم میکند. دیالوگ نویسی فیلم هم لنگ اساسی میزند. حرف‌هایی که به دهن آدم‌هایش نمایاند و لحن و زبانی که قلو شده و با سسه ای است. چه برای عیاش کافه نشین، چه برای پزشک و کلانتر و شوهر و ... آدم‌هایی که از ناکجا در قاب ظهور پیدا میکنند، شروع میکنند به افاضات، بعد هم در ناکجایی دیگر ناپدید میشوند. مصداقش هم سکانس طولانی و وراجی‌های بی‌سر و ته کافه با آن کات‌های شلخته و همچنین سکانس دادگستری و پندهای مرد بیخودی مرموز خودپسند تلویزیونی. از همه بدتر اما سکانس قدم زدن مرد و زن در کوچه بازار و فضای سنتی و بعد هم رسیدن به خیابان امروزی است که فیلمساز باز هم مشتکی حرف بزرگتر از دهانشان به آنها دیکته کرده و اصلا حواسش نیست که مردم رهگذر را باید توجیه کند که به بازیگران و دوربین خیره نشوند! اگر هم تعمداً بوده که دیگر بدتر، باور کنید آوانگاردیسم آنقدرها هم بی‌در و پیکر نیست که هر کنش بی‌مایه و پرتی را بتوان زیر لوایش گذاشت. کمی جلوتر که برویم، در سکانس حضور زن در شیرخوارگاه بار دیگر فیلم از فرمت سینمایی خارج شده و این بار حالتی توریستی، خبری و مستندگونه میگیرد. میزانشن این سکانس به وضوح شباهتی زیاد با ((خانه سیاه است)) ساخته فروغ دارد، که شاید لو میدهد در آن فیلم هم همه کاره گلستان بوده. در پایان باید اذعان کنم که متوجه این موضوع هستم که تا چه حد این فیلم در سال ۴۴ اثری شگرف بوده و تأثیری فزاینده روی مخاطبین جدی تری ایرانی آن زمان داشته است. مخاطب کلافه‌ای که در باتلاقی از خروارها فیلمفارسی مستهجن درحال تقلا کردن است، به قطع خشت و آینه را روی سرش حلوا حلوا میکند، تأثیر میپذیرد و برای مبارزه با فیلمفارسی هم که شده حتی بیش از آنچه حق باشد تحسینش میکند. بعلاوه اینکه دلم نمیآید تا به گروه ترمیم کنندگان ایتالیایی فیلم اشاره نکنم که براساسی کاری کارستان کرده اند. بنده حقیر این فیلم را سالها پیش با کیفیت بسیار بد دیده بودم و اینبار نسخه اصلاح شده را که دیدم، حقیقتا شگفت زده شدم و دریافتم که تجدد آنقدرها هم بد نیست آقای گلستان.

هرگاه قصد صحبت از مهره‌های پر اهمیت، تأثیرگذار و جریان‌ساز در سینمای ایران را داریم، باید از ابراهیم گلستان یاد کنیم. مردی بشدت پرحاشیه و جذاب که از نظر من در زمان غلط، در مکانی غلط حضور داشت. از آن جهت که نوع زیست و کنش‌های وی هیچوقت اینجایی نبود. میتوانم تصور کنم که اگر گلستان در یکی از کشورهای اروپایی زندگی و رشد میکرد، شاید امروز بعنوان یکی از مهره‌های درخور توجه سینمای مدرن و روشنفکرانه اواسط قرن بیستم اروپا بشمار میرفت. اما حالا او یکی از ارکان جریان موسوم به موج نوی سینمای ایران یا به عقیده من جریان فرعی غیر فیلمفارسی است. گلستان روحیه نقادانه، ستیزه‌جو، بی‌پرده و گزنده خود را به سینمای ایران آورد و روحی تازه در پیکر جوان و در عین حال الکن آن دمید. او حمله شدید و تندی در دو فیلم بلند سینمایی‌اش به تزریق عجولانه مدرنیته در ایران توسط شاه بواسطه پول نفت و همچنین نحوه زیست خود مردم کرد. فیلم بلند اولش یعنی ((خشت و آینه)) یکی از پیشروترین و تأمل برانگیزترین آثار سینمای ماست. نمیدانم که عمداً بوده یا سهواً، اما سایه سنگین آنتونیونی و مخصوصا ((شب)) روی فیلم حس میشود. گلستان تلاش کرده تا آن فرم سینمایی را ایرانی‌ز کند. تلاشی که لازم است، اما متأسفانه کافی نیست. نماها و قاب‌بندی‌های فیلم اکثرا چشمگیرند. دوربین از حیث جانمایی، حرکات، ترک کردن‌ها، زوم‌ها و ... حظ بصری کمیابی را ناشی میشود، اما ایراد بزرگ بعضی نماها آنجاست که قاب‌ها از فرمت سینماتیک خارج شده و فوتوگرافیک میشوند. این نوع قاب‌بندی‌ها که ضمن فوتوگرافیک بودن کارکرد سینمایی داشته باشند و از قالب بیرون نزنند متضمن تبجر و ظرافتی مثال زدنی است که کمتر کسی از پس آن برمیآید. کوپریک نمونه و استادی مسلم در این کار بود. همچنین علاقه وافری به تضعیف کردن سوژه/کرکتر با



یک نگاه



■ علی فریدونی

در زمانه‌ای که انبوه فیلمفارسی سینمای ایران را غرق در ابتذال کرده بود، گلستان به عنوان روشنفکر جامعه در حال گذار به تجدد با این فیلم توانست موج نو را در سینمای ما پایه‌ریزی کند. اولین موردی که مخاطب را تحت تأثیر قرار میدهد، فیلمبرداری جذاب و تدوین خاص فیلم مخصوصا در ده دقیقه ابتدایی است که نشان میدهد گلستان بسیار از موج نوی فرانسه الهام

گرفته است، در چند دقیقه ابتدایی تمام زواید و جزئیات اضافی صحنه حذف شده است و تنها سوژه مورد نظر کارگردان را شاهد هستیم تا بیننده تمام تمرکز بر آن باشد. دیالوگ‌های گل درشت فیلم برای مخاطب آزار دهنده است هرچند میتوان آنها را الگویی برای مسعود کیمیایی دانست که با همین سبک دیالوگ نویسی اخت گرفته است و البته فیلم هایش در ادامه موج نو بود. گلستان در روایت مدرنش هم به روشنفکران تاخته است که در کافه‌ای دور هم جمع شده‌اند و در حالی که مشکل در برابر چشم‌هایشان است به مسائل حاشیه‌ای میپردازند و هم به افراد دولتی نظیر پلیس‌ها که در انجام دادن وظایف شان کوتاهی میکنند. رابطه هاشم با تاجی به عنوان سنگ بنای فیلم دارای نکات جالبی است از جمله اینکه نشان میدهد که چگونه مرد ایرانی به خاطر نوع نگاه جامعه‌ای که در آن رشد کرده است، از ازدواج و حتی آشکار شدن رابطه‌اش با زنی که در بار کار میکند، هراس دارد هر چند که عاشق یکدیگر باشند. تاجی که تنها امیدش در زندگی هاشم است، میخواهد به وسیله نوزاد او را به دست آورد و زندگی جدیدی را شروع کند، هر چند تمام رویاهایش بر باد میروند. در سکانس دادگاه، با کات‌های سریعی که میبینیم مخاطب نیز در کنار هاشم و در پی بوروکراسی اداری گیج میشود و بعد هاشم در آنجا با مردی آشنا میشود، مردی که بعدها متوجه می‌شویم که کارشناس تلویزیون است و با صحبت‌هایش سعی در منصرف کردن هاشم از نگهداری نوزاد دارد. گفتگوی هاشم و تاجی در کوچه و خیابان‌های پایین شهر تهران که کنایه مستقیم گلستان به رژیم وقت است که علی‌رغم تمرکز شدید امکانات در تهران و توجه به آن در مقایسه با شهرستان‌ها همچنان کمیتش لنگ میزند و پایین شهر آن همچنان بافتی فرسوده دارد. نگاه مردم

به دوربین ناجورترین وصله فیلم است. اگر بخواهیم آن را با متد برشتی بسنجیم که میخواهد مخاطب را آگاه کند که این یک فیلم است کار اشتباهی کرده ایم زیرا فیلم هیچ یک از ویژگی‌هایی را ندارد که بتوان آن را برشتی خواند. در پایان فیلم وقتی که هاشم، تاجی و نوزاد را از دست داده است و کارشناس تلویزیونی را میبیند که او را از به سرپرستی گرفتن نوزاد بر حذر کرده بود و حال از شریک شدن در محنت دیگران میگوید، اشاره‌ای است به جعل حقیقت در تلویزیون و اینکه افراد خود را در آن به گونه‌ای دیگر نشان میدهند، این کار گلستان در آن هنگام بسیار جالب توجه است به دلیل آنکه تلویزیون در آن زمان به مانند بتی برای مردم بود و حال او ابراهیم وار میخواهد آن را بشکند. در پایان باید علی‌رغم تمام ضعف‌های فیلم، گلستان را به خاطر تلاشش در زمانه‌ای که ابتذال سینما را در بر گرفته بود (مثل سینمای فعلی ما) ستود و از تصاویر هوشمندانه و زیبایش تجلیل کرد.



گلشن مهر گزارش می دهد؛

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان زیان ده نیست



و در کمیسیون آموزش و تحقیقات که زیرمجموعه ی آموزش و پرورش است، قرار دارد. وی افزود: مجمع نمایندگان استان، جلسات متعددی با وزیر آموزش و پرورش درخصوص مباحث این چنینی و معضلات مالی کانون پرورش فکری داشته اند که در این جلسات، این موانع شرح داده شد. منتظری همچنین تصریح کرد: در تلاش هستیم بودجه نهادهای فرهنگی، نه تنها در استان ما، بلکه در کل کشور تقویت شود و در این راستا از سال گذشته اقدامات خوبی صورت پذیرفته است. عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در انتها گفت: سال گذشته ۸۰۰ میلیارد تومان اعتبار به موسسات فرهنگی مردم نهاد در راستای تقویت زیرساخت ها اختصاص یافت که امسال نیز این حمایت مالی در دستور کار دولت قرار خواهد داشت. با این تفاسیر، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از نهادهای اثرگذار جامعه و با تمام کمبودهای مالی، همچنان به فعالیت های مثبت خود ادامه می دهد. وجود چنین نهادی در مجامع شهری و روستایی برای رشد عقلانی و فکری هر کودک و نوجوانی ضرورت داشته و تاثیر آن به وضوح در جامعه قابل رویت است. یک کارشناس حوزه کودک و نوجوان در گفتگو با خبرنگار گلشن مهر در این خصوص گفت: با توجه به شرایط فعلی جامعه، به حضور کودکان و نوجوانان در کانون پرورش فکری تاکید می کنم. حسینی اظهار کرد: چرا که این قشر با حضور در کانون، از فضای خاص فردی دور شده و در یک محیط اجتماعی قرار می گیرند. وی افزود: در این راستا، با برقراری ارتباط با سایر هم سالان و مربیان، نحوه ورود به جامعه را فرا گرفته و چه بسا می توانند ارتباطات خود را آسیب شناسی کنند. این کارشناس حوزه کودک و نوجوان در ادامه تصریح کرد: کانون، یک نهاد پرورش دهنده است که با وجود کمبودهای فراوان، توانسته اثر خود را بر جامعه بگذارد و به عقیده من که سال ها در حوزه کودک و نوجوان مشغول هستم، حضور این قشر در چنین فضاهای سالم و دور از حاشیه، ارتباط مثبتی بر بزرگسالی آن ها خواهد گذاشت. شاید بتوان یکی از نقاط مثبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان راه در دسترس بودن برای تمامی کودکان و نوجوانان در همه شهرها، روستاها و مناطق محروم و حاشیه ای عنوان کرد. اینکه هر کودکی با هر توان مالی می تواند در این نهاد عضو شود و از خدمات آن بهره مند شود؛ تنها همین نکته می تواند دلیلی برای «زیان ده» نبودن کانون باشد. یکی از بخش های خوب کانون پرورش فکری، مرکز مکاتبه ای است. در این مرکز کسانی که امکان حضور در کانون برای آن ها وجود ندارد، ارتباط خود را از طریق نامه برقرار کرده و مربیان این مجموعه، آموزش های لازم را به صورت مکتوب برای آنان ارسال می کنند. در روزگاری که اخبار زیادی مبنی بر خودکشی دانش آموزان برای عدم دسترسی به گوشی های هوشمند و حضور در کلاس های مجازی به گوش می رسد، استفاده از نامه های مکتوب و رسیدن به یک نتیجه ی مثبت، می تواند تاثیر خوبی بر جامعه بگذارد. تاکنون استعدادهای زیادی از طریق مرکز مکاتبه ای کانون شناخته شده است که از این موضوع می توان به عنوان نقطه قوت این نهاد یاد کرد. با این تفاسیر و با یک نگاه گزرا به وضع موجود، متوجه خواهیم شد که دیدگاه دولتمردان نسبت به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیاز به تغییر داشته و ضروری است، حمایت از این نهاد فرهنگی در دستور کار مسئولان استانی و کشوری قرار گیرد. اگرچه اقتصاد متزلزل کشور اولویت اصلی دولتمردان و مردم است، اما نباید فراموش شود که کانون پرورش فکری، هرگز زیان ده نبوده و برای رسیدن به یک جامعه ی آرمانی ابتدا باید فرهنگ را سامان بخشید.

استان گلستان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی این استان، به نشست این اعضا دعوت نشده بود. این درحالی است که رجب نسب حضور در آن جلسه را برای بیان مشکلات کانون و رفع آن ها ضروری عنوان می کند. وی همچنین بار دیگر از بازگو کردن مشکلات کانون در حضور عضو کمیسیون فرهنگی، غلامرضا منتظری که نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی است، سخن می گوید. با وجود بیان این معضلات، منتظری نظر دیگری در خصوص تخصیص اعتبار به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دارد. نماینده مردم گرگان و آق قلا در گفتگو با خبرنگار گلشن مهر گفت: این نهاد به عنوان یک دستگاه فرهنگی محسوب نشده

عنوان کرد و افزود: تا زمانی که حمایت های مالی از مجموعه های فرهنگی سطح پایین باشد، نباید انتظار اقدامات و عملکرد بالایی از آن ها داشت. وی افزود: ما با کمترین بودجه، سعی در ارائه بهترین خدمات را داریم، چرا که جامعه ی هدف ما کودکان و نوجوانان هستند و آسیب به این قشر، منجر به آسیب به جامعه خواهد شد. مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان گلستان همچنین تصریح کرد: رایزنی های فراوانی با نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی انجام داده و بارها معضلات موجود در این حوزه را برای وی بازگو کردیم اما تاکنون هیچ اقدامی در راستای رفع این موانع انجام نشده است. در سفر کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به

در روزهای اخیر، خبری مبنی بر واگذاری مدیریت کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نهاد کتابخانه های عمومی کشور مطرح شد. این خبر بر اساس نامه پیشنهادی وزارت ارشاد، توسط پایگاه اطلاع رسانی دفتر هیئت دولت منتشر و افکار فعالان حوزه کودک و نوجوان را درگیر کرد. اگرچه واگذاری و انحلال کتابخانه های کانون از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تکذیب شده، اما خطر همچنان این مجموعه ی فرهنگی را تهدید می کند. در لایحی اخبار ضد و نقیض تعطیلی کانون نیز به موضوعی اشاره شد و آن «زیان ده» بودن کانون است. همه به پایین بودن میزان درآمد مجموعه های فرهنگی واقف هستند، چرا که این دستگاه ها، موظف به اثرگذاری بر فرهنگ عمومی هستند نه تاثیر بر اقتصاد جامعه. با این اوصاف لفظ «زیان ده» آن چنان که باید، شایسته ی مجامع فرهنگی کشور نیست. مراکزی مانند کانون پرورش فکری در بلند مدت، نقش مثبت خود را در جامعه نشان می دهند و چنانچه در این جامعه فرهنگ عمومی رو به کاهش است، شاید باید علت آن را عدم توجه به این مراکز فرهنگی بدانیم نه کم کاری چنین نهادهایی. حمایت از مراکز فرهنگی با وجود دغدغه های اقتصادی مردم در اولویت های پایین دولت مردان قرار داشته و دارد و این موضوع همانطور که از وضع موجود قابل ملاحظه است، اثر منفی خود را بر جامعه گذاشته است. به طوریکه برخی از خانواده ها دیگر مثل قبل رغبتی برای حضور فرزندانشان در کانون های پرورش فکری ندارند. مجموعه ای که سال ها به عنوان یک نهاد پرورش دهنده، نقش مسقیم بر منش، آینده و دیدگاه کودکان و نوجوانان این سرزمین داشته، روا نیست که اکنون به عنوان یک مرکز «زیان ده» عنوان شود و باید حمایت های لازم برای سرپا ماندن آن صورت گیرد. سال هاست که کودکان و نوجوانان، برای پر کردن اوقات فراغت و یادگیری مهارت های مختلف، به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رجوع می کنند. این مکان، طی سال ها، محیطی برای رشد قشر کودک و نوجوان کشور بوده، اما مدتی است که عواملی، موجب کم رنگ شدن فعالیت های فیزیکی و حضوری کانون پرورش و فکری کودکان و نوجوانان شده است. شاید گسترش فضای مجازی و کرونا را بتوان از اصلی ترین عوامل کاهش حضور کودکان و نوجوانان به این فضای آموزشی دانست؛ اما در طرف دیگر ماجرا می توان، کاهش مربی را علت این اتفاق عنوان کرد. کمبود نیروی آموزشی در کانون، یک محدودیت جدید ایجاد کرده و موجب شده است برگزاری کلاس ها با معضلاتی روبرو شود. بر اساس سخنان مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان گلستان، عده زیادی از کودکان گلستانی به دلیل کمبود مربی و عدم برگزاری کلاس، از شرکت در این کلاس ها جا مانده اند.

محبوبه رجب نسب در گفتگو با خبرنگار گلشن مهر اظهار کرد: بیش از هشت هزار عضو در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گلستان حضور دارند که تنها ۵۰ مربی برای آموزش به این متقاضیان وجود دارد. وی افزود: تعدادی از این مربیان رسمی و بخش اعظم آن ها به صورت ساعتی با کانون قرارداد دارند. مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان گلستان، کمبود بودجه را علت اصلی کمبود مربی در کانون عنوان کرد و گفت: با توجه به اعتباری که سالانه به این مجموعه اختصاص می یابد، مجبور به بکارگیری همین تعداد مربی هستیم چرا که توان پرداخت حق الزحمه برای مربیان بیشتر توسط کانون ممکن نیست. رجب نسب، تزریق بودجه سالانه کانون پرورش فکری را قطره چکانی